



تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت
و تهدید اقتصاد کشور قزاقستان
۱۳۹۷/۰۶/۲۵



موسسه آینده پژوهی جهان اسلام

www.iiwfs.com

بسمه تعالی

موسسه آینده پژوهی جهان اسلام

گزارش ویژه شماره ۲۱

«تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید اقتصاد کشور قزاقستان»

دکتر احسان رسولی نژاد

استادیار گروه مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز دانشگاه تهران

مقدمه

کشور قزاقستان به عنوان یکی از مهم‌ترین اقتصادها در میان کشورهای مشترک‌المنافع مورد توجه صاحب‌نظران و کارشناسان قرار دارد. در این نوشتار سعی می‌شود تا به طور خلاصه با وضعیت اقتصاد قزاقستان با استفاده از رویکرد تحلیل SWOT (قوت، ضعف، تهدید و فرصت) آشنا شویم. اقتصاد قزاقستان بیش از بقیه کشورهای آسیای مرکزی مورد صنعتی‌سازی از سوی رهبران اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفته بود. در زمان شوروی، این کشور مرکز اکتشافات فضایی، آزمایش‌های تسلیحات هسته‌ای، بیولوژیکی و شیمیایی بود که خود منجر به صنعتی‌سازی و اشتغال بیشتر در این کشور شده بود.

«نورسلطان نظربایف» و سایر خط‌مشی‌گذاران قزاقستان پس از استقلال از شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰ با اقتصادی از تعادل خارج شده روبه‌رو شده بودند. مشکلاتی همچون تورم افسارگسیخته، شکست صنعت، افول بازارهای اقتصادی، سیستم توزیع ناکارا و کمبود سرمایه مالی جهت مدرنیزه‌سازی اقتصاد از مهم‌ترین معضلات اقتصادی کشور قزاقستان پس از فروپاشی شوروی بود. به‌گونه‌ای که بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵، تولید ناخالص

داخلی قزاقستان به میزان ۵۰ درصد کاهش یافت؛ هر چند اصلاحات اقتصادی قزاقستان در این دهه موفقیت آمیز بود و به تدریج اقتصاد را وارد شکوفایی نمود. خصوصی سازی بخش دولتی به عنوان یکی از زیر بخش های اصلاحات اقتصادی قزاقستان در دهه ۱۹۹۰ به طور ویژه انجام شد. به صورتی که بیش از ۱۷ هزار شرکت دولتی در این کشور خصوصی شدند که بیشتر در حوزه برق، نفت و گاز فعالیت داشتند. ذکر این نکته لازم است که بسیاری از شرکت های بزرگ دولتی همچون کازموناگاز (Kazmunagaiz)، قزاق تلکام (Kazakhtelecom) تحت مدیریت دولت قزاقستان باقی مانده بودند. چنین برنامه خصوصی سازی با محوریت دولتی ماندن شرکت های بزرگ و استراتژیک نیز در دوران روسیه مدرن مشاهده می شود.

این اصلاحات اقتصادی همزمان با شکوفایی درآمدهای ارزی و سرمایه گذاری خارجی در بخش نفت و گاز این کشور در دهه ۲۰۰۰ میلادی موجب اوج اقتصاد قزاقستان گردید. در اوایل دهه ۲۰۰۰، بیش از ۲۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری خارجی در این کشور وارد گردید. اقتصاد قزاقستان بین سال های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۵ بیش از ۷۵ درصد رشد داشت. در گزارشی از صندوق بین المللی پول در مدح شکوفایی اقتصادی قزاقستان عنوان شده است که «رشد سریع و افزایش سطح استانداردهای زندگی به کمک ثروت نفت این کشور رخ داد. اصلاحات ساختاری و مدیریت کلان اقتصادی صحیح، قزاقستان را تبدیل به اقتصادی در گذار به اقتصاد بازار محور کرد». با وجود بحران های مالی ۲۰۰۸ و همچنین بحران مالی ۲۰۱۴ اقتصاد این کشور هنوز جایگاه برترین اقتصاد را در میان کشورهای مشترک المنافع دارد.

با ذکر این مقدمه، در ادامه این یادداشت به تفکیک نقاط قوت، ضعف، تهدید و فرصت اقتصاد قزاقستان را ذکر خواهیم نمود:

الف. نقاط قوت اقتصاد قزاقستان

اولین نقطه قوت اقتصاد قزاقستان، روند رو به رشد تولید نفت خام در این کشور است. آغاز تولید نفت خام در کشور قزاقستان از سال ۱۹۱۱ بوده و هم‌اکنون بعد از روسیه دارای رتبه دوم از لحاظ ذخایر و تولید نفت خام بین کشورهای استقلال یافته از شوروی است. رشد تولید نفت خام (حدود ۱,۷ میلیون بشکه در روز) در کشور قزاقستان به دلیل رشد سرمایه‌گذاری و تأمین مالی پروژه‌های میادین نفت و گاز این کشور همچون تنگیز، کاراچاگاناک (Karachaganak) و کاشاگان (Kashagan) توسط شرکت‌های بین‌المللی بوده است. این امر نقطه قوتی است برای اقتصاد قزاقستان که هم ریسک پایین سرمایه‌گذاری را در اقتصاد ملی خود ایجاد کرده و هم پتانسیل پروژه‌های نفت و گاز این کشور انگیزه لازم را به سرمایه‌گذاران و شرکت‌های بین‌المللی برای ورود به این کشور می‌دهد.

دومین نقطه قوت اقتصاد قزاقستان، سطح بالای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشور است. قزاقستان با اجرای اصلاحات اقتصادی در زمینه ایجاد اقتصاد بازار محور و به وجود آوردن فضای کسب‌وکار ایده‌آل اقتصادی در مرکز توجه اکثر سرمایه‌گذاران خارجی قرار گرفته است. طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹، میزان سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد این کشور ۱۰ برابر شده که خود موجب توسعه فزاینده در بخش نفت و گاز اقتصاد قزاقستان شده است. بر اساس گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی هم‌اکنون قزاقستان، برترین فضای کسب‌وکار را در منطقه به خود اختصاص داده (در سال ۲۰۱۸ میلادی، این کشور رتبه ۳۶ را از میان ۱۸۹ کشور در گزارش کسب‌وکار سازمان ملل دارد) و همچنین برنامه‌هایی همچون تأسیس شرکت قزاق اینوست (Qazaq invest) زمینه را برای ورود جریان سرمایه از خارج به داخل فراهم آورده است.

سومین نقطه قوت اقتصاد قزاقستان، موقعیت جغرافیایی استراتژیک این کشور میان چین و اروپا است. چین به‌عنوان اقتصادی بزرگ و فرا منطقه‌ای در همسایگی قزاقستان قرار گرفته است و اقتصاد قزاقستان به غیر

از بازاری مناسب برای کالاهای کشور چین، به‌عنوان مسیر ترانزیت به اروپا برای کشور چین نیز محسوب می‌شود. اقتصاد قزاقستان با حدود ۱۸ میلیون نفر جمعیت و ثبات سیاسی، بازار و مسیر ترانزیت مناسبی برای چین به حساب می‌آید و این کشور تحت کنسرسیومی با دو کشور آذربایجان و گرجستان تسهیل ترانزیت کالاهای چین به اروپا را ایجاد کرده است.

افزایش جمعیت نیروی کار، نقطه قوت دیگری در اقتصاد قزاقستان به حساب می‌آید. در حال حاضر نسبت جمعیت نیروی کار بین سن ۱۵ تا ۶۴ سال در قزاقستان در سطح بالای ۷۳ درصد قرار دارد که خود در سطح کشورهای غربی پیشرفته می‌باشد. این سطح بالای اشتغال شامل درصد بالایی از خوداشتغالی می‌شود که ۲۵ درصد جمعیت دارای شغل را شامل می‌شود. اما این درصد در کشورهای توسعه‌یافته حدود ۱۰ درصد می‌باشد. به‌طور کلی افزایش جمعیت نیروی کار، به‌عنوان یک نهاده تولید به معنای ظرفیت استفاده از این نهاده در بخش تولید اقتصاد این کشور است که با توجه به پتانسیل بالای اقتصاد این کشور در ایجاد شغل، افزایش جمعیت نیروی کار یک نقطه قوت مهم در اقتصاد قزاقستان به شمار می‌رود.

نقطه قوت مهم دیگر در اقتصاد قزاقستان، افزایش سطح نسبی آموزش در این کشور است. آموزش نیروی کار آینده اقتصاد به معنای افزایش «مهارت و تفکر» در نهاده تولید است که عنصری تعیین‌کننده در تابع تولید کالاها و خدمات محسوب می‌شود. از زمان استقلال قزاقستان در اوایل دهه ۱۹۹۰، بیش از ۵۰۰۰۰ نفر از جوانان قزاق در دانشگاه‌های برتر جهان مقاطع تحصیلات تکمیلی را پشت سر گذاشته‌اند (در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ میلادی بیش از ۱۷۹۲ دانشجو از قزاقستان، فقط در دانشگاه‌های امریکا تحصیل می‌کردند) و شبکه دانش کشور قزاقستان در اکثر دانشگاه‌های معتبر جهان شکل گرفته است. همچنین توجه به آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان در داخل کشور قزاقستان در برنامه‌های توسعه این کشور به‌طور مشخص و جدی عنوان شده است که توسعه دانش‌آموختگان داخل و خارج از کشور قزاقستان، نقطه قوت مهم برای اقتصاد این کشور از نقطه‌نظر ایده‌سازی، نوآوری، اختراعات، مهندسی معکوس، مهارت‌افزایی در تولید کالاها و خدمات دارد.

ب. نقاط ضعف اقتصاد قزاقستان

وابستگی اقتصاد به نفت، گاز، اورانیوم و آهن یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف اقتصاد قزاقستان به حساب می‌آید. در عین حال که پتانسیل تولید اقتصادی قزاقستان در این حوزه‌ها یک قوت در زمینه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اشتغال و رشد اقتصادی می‌باشد، اما وابستگی قزاقستان به این حوزه‌ها موجب بی‌ثباتی ساختاری در بخش درآمدی و بودجه دولتی این کشور نیز می‌شود. در سال ۲۰۱۷ میلادی، درآمد بودجه دولت قزاقستان حدود ۹,۶ تریلیون تنگه (واحد پول قزاقستان) بوده است که از این میزان درآمدهای غیرنفتی حدود ۴,۴ تریلیون تنگه و درآمدهای نفتی حدود ۵,۱ تریلیون تنگه بوده است که خود نشان از سهم بالای درآمدهای نفت و فرآورده‌های نفتی از بودجه دولتی دارد. اگر درآمدهای حاصل از صادرات اورانیوم و آهن را نیز اضافه کنیم، مشاهده می‌شود که درآمد بودجه دولت قزاقستان به چه میزان بالایی وابسته به درآمد از محل این حوزه‌ها می‌باشد که در صورت هرگونه نوسان قیمتی در آن‌ها، بودجه دولتی دچار بی‌ثباتی و تزلزل خواهد شد که در ادبیات اقتصاد امروز، منفعتی در بی‌ثباتی بخش درآمد بودجه‌ای وجود ندارد.

سیستم بانکی ناکارا در اقتصاد قزاقستان، نقطه ضعف دیگری نیز است که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. مشخصه یک اقتصاد پویا ارتباط و تعامل درست میان سیستم بانکی و حوزه‌های مختلف اقتصاد است که در واقع سیستم بانکی، نقدینگی موجود در جامعه را به سمت توسعه حوزه‌های مختلف اقتصاد سوق می‌دهد؛ اما این امر در قزاقستان دچار مشکلات عدیده‌ای است. به غیر از بانک مرکزی قزاقستان (NBK)، ۳۸ بانک تجاری، یک بانک دولتی و ۱۶ بانک با مالکیت حداقل ۳۰ درصدی خارجی وجود دارند که در کل سیستم بانکی قزاقستان بعد از بحران ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ میلادی دچار چالش جدی در ارائه خدمات مالی بانکی شده است. به گونه‌ای که در انتهای سال ۲۰۱۷ میلادی، دارایی‌های کل سیستم بانکی قزاقستان ۶,۸ درصد کاهش و کل وام‌های اعطایی ۱۲,۹ درصد کاهش یافته است. عدم قدرت سیستم بانکی در اقتصاد به معنای ضعف کلان اقتصاد به حساب می‌آید که می‌بایست سیاست‌گذاران قزاقستان به دنبال ترمیم آن باشند.

فساد اداری در قزاقستان همانند سایر کشورهای مشترک‌المنافع به میزان بالایی بوده و خود یک نقطه ضعف جدی در اقتصاد این کشور به حساب می‌آید. طبق گزارش شاخص فساد سال ۲۰۱۷ میلادی، این کشور در رتبه ۱۲۲ از ۱۷۵ کشور قرار گرفته است که خود نشان دهنده حجم بالای فساد اداری در اقتصاد این کشور می‌باشد. بررسی شاخص فساد سالانه نشان می‌دهد که میانگین رتبه این کشور از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۷ در این شاخص، ۱۱۳٫۸۴ بوده است که بدترین رتبه در سال ۲۰۰۷ میلادی (کسب رتبه ۱۵۰) و بهترین رکورد مربوط به سال ۲۰۰۰ میلادی (کسب رتبه ۶۵) به دست آمده است. وجود فساد اداری بالا به معنای هدررفت بودجه دولتی در بخش‌های عمرانی، سیکل باطل فرآیندهای انجام کسب و کار، ایجاد ریسک بالا در ورود به بازارهای اقتصادی قزاقستان است. همچنین زیرساخت‌های حمل و نقل نامناسب با توجه به پتانسیل ترانزیتی این کشور از نقاط ضعف جدی اقتصاد قزاقستان به شمار می‌رود. جاده‌های زمینی کشور قزاقستان جزو پر خطرترین‌ها در جهان به حساب می‌آید. در سال ۲۰۱۶ میلادی مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل (CSIS) هزینه تصادفات جاده‌ای در کشور قزاقستان را سالانه حدود ۹ میلیارد دلار برآورد نموده است که با توجه به تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۶ میلادی به میزان ۴۵۱٫۲ دلار می‌توان این نتیجه را گرفت که هزینه تصادفات جاده‌ای در کشور قزاقستان نزدیک به ۹ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور بوده است که این میزان نگرانی بسیاری از کشورهای اطراف که علاقه‌مند به استفاده از مسیر ترانزیتی قزاقستان هستند را ایجاد می‌کند. گزارش کریدور حمل و نقل اروپا - قفقاز - آسیا (TRACECA) در سال گذشته نشان می‌دهد که تعداد شش حامی مالی بین‌المللی (مانند بانک بازسازی و توسعه اروپا (EBRD)) برای ارتقا سطح زیرساخت‌های حمل و نقل در کشور قزاقستان وجود دارند. این حامیان مالی علاوه بر جاده‌های زمینی، به دنبال توسعه جاده‌های ریلی، فرودگاه و بنادر این کشور می‌باشند. برای مثال بانک بازسازی و توسعه اروپا در سال ۲۰۱۵ میلادی بیش از ۳۷٫۲ میلیارد دلار وام به شرکت قزاقی تمیز زولی (Temir Zholy) اعطا نمود تا برای مثال توسعه بندر آکتای را اجرا نماید. با این حال در وضعیت کنونی، زیرساخت‌های حمل و نقل در قزاقستان جز نقطه ضعف اقتصاد آن به شمار می‌رود.

موقعیت جغرافیایی کشور قزاقستان، در کنار اینکه یک مزیت و نقطه قوت در زمینه احتیاج کشورهای همسایه به ترانزیت کالا به حساب می‌آید، اما از بعدی دیگر نقطه ضعف اقتصاد این کشور نیز محسوب می‌شود؛ یعنی از این بعد که قزاقستان کشوری است محصور و دسترسی به آب‌های آزاد ندارد. از این رو دسترسی لازم به بازارهای جهانی نفت خام را در اختیار نداشته و لذا وابستگی زیادی به خط لوله رد شده از کشورهای همسایه را دارد. مهم‌ترین خطوط لوله نفت خام که انتقال‌دهنده نفت خام کشور قزاقستان به بازارهای جهانی می‌باشند شامل خط لوله کنسرسیوم کاسپین به مقصد بندر نواراسیسک در دریای سیاه، خط لوله چین - قزاقستان و خط لوله اوزن - آتورای - سامارا به مقصد روسیه است. عدم دسترسی مستقیم به بازارهای جهانی نیاز به تعامل سازنده سیاسی با همسایگان دارد تا بتواند از حداکثر ظرفیت آن‌ها در دسترسی به بازارهای جهانی انرژی استفاده نماید.

ج. نقاط فرصت اقتصاد قزاقستان

همگرایی اقتصادی کشور قزاقستان در زمان حال یک فرصت ایده‌آل برای اقتصاد این کشور به حساب می‌آید. حضور در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، سازمان تجارت جهانی و نقش مهم این کشور در افق کمربند اقتصادی جاده ابریشم مواردی است که هر کدام یک فرصت و امتیاز ویژه برای اقتصاد این کشور به حساب می‌آید. دلیل این امر آن است که حضور در مجامع اقتصادی منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی، امکان تعامل با کشورهای مختلف و قدرت‌های اقتصادی جهان را فراهم می‌آورد که خود به معنای رشد و توسعه سطح اقتصاد تولید و اقتصاد تجارت در این کشور به حساب می‌آید.

فرصت دیگر قابل ذکر برای اقتصاد قزاقستان، توسعه صنایع جدید در این کشور است. توسعه صنایع خلاق، توجه به فناوری سبز و تمرکز بر توسعه انرژی‌های تجدید پذیر مواردی است که هر کدام می‌توانند فرصت گرانبهایی برای اقتصاد این کشور در آینده فراهم آورد. برای مثال نقطه آغاز توسعه صنایع خلاق در قزاقستان به سال ۲۰۰۵ میلادی هم زمان با برگزاری دوره آموزشیونسکو در آلماتی بر می‌گردد که در آن پروژه «نقشه راه ایجاد صنایع

خلاق در آلمانی» ایجاد شد. همچنین برنامه کشور قزاقستان در مورد گذار به سمت اقتصاد سبز تصویب شده در سال ۲۰۱۳، که موجب افزایش تولید ناخالص داخلی این کشور به میزان ۳ درصد و اشتغال‌زایی به میزان ۵۰۰ هزار شغل جدید می‌شود، از مواردی است که در صورت اجرا فرصتی ایده‌آل را در این کشور ایجاد می‌کند. کشور قزاقستان برنامه‌ریزی نموده است که به‌طور متوسط ۳,۲ میلیارد دلار سالانه به سرمایه‌گذاران در بخش اقتصاد سبز تا سال ۲۰۵۰ میلادی اعطا نماید تا انتشار دی‌اکسید کربن این کشور از سال ۲۰۱۲ میلادی در سال ۲۰۵۰ میلادی به میزان ۴۰ درصد کاهش یابد.

توسعه منابع تأمین مالی نوآوری‌های دیگر از فرصت‌های پیش روی اقتصاد قزاقستان به حساب می‌آید. دولت قزاقستان برنامه‌ریزی نموده است تا حوزه نوآوری و ایده‌پروری را در اقتصاد خود حمایت و پشتیبانی مالی نماید که در صورت اجرای درست این برنامه و توسعه نوآوری و ایده‌پروری در بخش‌های مختلف اقتصاد به معنای افزایش کمی و کیفی کالاهای قزاقستانی، افزایش قدرت رقابت در بازارهای جهانی، خلق صنایع جدید و غیره خواهد بود. برنامه توسعه نوآوری در قزاقستان تحت عنوان برنامه ملی توسعه نوآوری و صنایع طی سال‌های ۲۰۱۰ و-۲۰۱۴ میلادی اجرا شد که هدف از آن حمایت از نوآوری در بخش صنعت کشور قزاقستان بوده است. اگر هدف اصلی این برنامه را افزایش قدرت رقابت‌پذیری کالاهای قزاقستان در مقابل کالاهای وارداتی کالاهای خارجی در نظر بگیریم، طبق شاخص رقابت‌پذیری جهانی انجام شده توسط فروم اقتصاد جهان (World Economic Forum) متوجه می‌شویم که رتبه این کشور در سال ۲۰۱۰ میلادی، ۷۲ بوده است در حالی که در سال ۲۰۱۶ میلادی، کشور قزاقستان رتبه ۴۲ را به خود اختصاص داده است که این بهبود رتبه می‌تواند تاییدی بر موفقیت برنامه حمایت مالی از پرورش نوآوری در صنایع قزاقستان باشد.

د. نقاط تهدید اقتصاد قزاقستان

نقاط قابل ذکر در مسئله تهدیدات اقتصاد قزاقستان، مواردی همچون بحران‌های مالی جهانی، تنش‌های سیاسی در منطقه و شوک‌های جهانی نفت است که هر کدام به نوبه خود می‌توانند اقتصاد این کشور را از حالت ثبات خارج کند؛ بی‌ثباتی اقتصاد خود به منزله چالش سیستم بانکی، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و تهدید صنایع نفت و گاز این کشور است. برای مثال بحران مالی سال ۲۰۰۷ میلادی در قزاقستان، سیستم بانکی این کشور را دچار چالش شدید در بازپرداخت بدهی‌های خارجی خود کرد که به نوبه خود بر سایر حوزه‌های اقتصادی این کشور تاثیرگذار بودند. همچنین تلاش قزاقستان در حل مناقشات و تنش‌های سیاسی منطقه همچون نشست آستانه برای حل بحران در سوریه، نشان از اهمیت ثبات منطقه برای این کشور دارد. چرا که در صورت وجود تنش‌های منطقه‌ای و بی‌ثباتی در منطقه، تهدید جدی متوجه اقتصاد قزاقستان خواهد بود. شوک‌های جهانی نفت بویژه از نوع کاهش شدید قیمت نیز به دلیل وابستگی بودجه دولتی و همچنین سرمایه‌گذاری فراوان خارجیان در بخش نفت و گاز می‌تواند موجب کسری بودجه شدید و همچنین خروج سرمایه از این کشور شود که در نوع خود، تهدیدی بالقوه برای اقتصاد قزاقستان به حساب می‌آید.